بسم الله الرحمن الرحیم

تخالف الحجج

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه صد و هفتادم\_ 14 اسفند 1400

[تعلیقۀ ششم؛ توضیحاتی پیروان دوره تثبیت و تکمیل حدیث ]

در جلسۀ گذشته اشاره‌ایی داشتیم به دوران‌هایی که حدیث شیعه تا زمان محمدین ثلاثه صاحبین کتب اربعه داشته است، و در این بین از واژۀ اصل نام بردیم، عرض کردیم اگر چه در مورد این واژه تفاسیر و تعریفاتی شده است ولی با توجه به معنای لغوی اصل، و با توجه به آن‌چه از اصول برای ما نقل شده است، و در توصیف اصول سخنانی را برخی گفته اند، به نظر من می‌رسد، واژۀ اصل، باید به دو معنا در نظر گرفته شود:

1. یکی اصل به معناه الاعم، یعنی تمام کتاب‌هایی که توسط اصحاب ائمۀ هدی از زمان امیرالمؤمنین سلام الله علیه تا زمان امام حسن عسگری، نوشته شده، و این کتاب‌ها در برگیرندۀ احادیثی است که نویسنده یا خود از یک معصوم، مستقیما شنیده است، و یا با یک واسطه از امام شنیده و نوشته است، این اصل به معنای عام
2. اصل به معنای خاص که منظور کتبی است که در عصر باقرین علیهما السلام، به ویژه در زمان امام صادق نوشته شده است، از شاگران مشترک امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما و یا شاگردان اختصاصی امام صادق علیه السلام که باز در این کتاب‌ها که گاهی به آن اصول اربعه مأة اطلاق می‌شود، احادیثی که نویسنده خود از امام صادق شنیده است، آورده، یا فوقش این که با یک واسطه شنیده است، این اصول چه اصل به معنای عام بگیرید، چه بالخصوص اصل به معنای خاص بگیرید، اساس و ریشۀ تدوین احادیث شیعۀ امامیه است.

ما در جلسۀ گذشته چهار مرحله و دوره اشاره کردیم، یک مرحله، مرحلۀ پیدایش، دورۀ نخست، که من آن را از زمان امیرالمؤمنین سلام الله علیه، تا زمان امامت امام باقر علیه السلام می‌دانم، ابتدای امامت باقر العلوم سلام الله علیه، دوران دوم، دوران شکوفایی و رشد و تکامل حدیث شیعه است که در زمان صادقین علیهما السلام و بالخصوص امام صادق سلام الله علیه بوده است، و دوران سوم را من از زمان امام موسی بن جعفر سلام الله علیهما می‌دانم تا ابتدای غیبت که نام این مرحله را دوران تثبیت و تکمیل حدیث شیعه گذاشتیم و دوران چهارم که زمان غیبت صغری به بعد اتفاق افتاد، دوران تدویب اساسی‌تر احادیث است، نخست در الکافی، آن‌گاه در من لا یحضر و آن‌گاه در تهذیبین دیده می‌شود. مراحلی که بعدا کتب حدیثی نوشته شده است کالوسائل، و الوافی و المستدرک و غیر این ها از کتب روایی، در ذیل همان چهار مرحله تعریف می‌شود، با تفاوت‌هایی که بین این کتب هست و از بحث ما خارج است.

[بروز و ظهور عناصری جدید در این دوره]

در مورد دوران سوم که دوران امام موسی بن جعفر صلوات الله و سلامه علیه به بعد است، دوران تثبیت و تکمیل حدیث، شما با عناصری روبرو می‌شوید که در این مرحله بروز بیشتری پیدا کرده، اگر چه به نحوی قبلا هم بوده است، اما بروز وظهور این عناصری که عرض می کنم در این دوران سوم است:

[پیدایش عنصر وکالت]

عنصر وکالت و تشکیل شدن سازمان وکالت که به نحوی در زمان امام صادق هم بود، ولی در زمان امام کاظم سلام الله علیه به بعد گسترش پیدا کرد، و لزوم تشکیل سازمان و تشکیلات ولایت،

[عوامل موثر در پیدایش این عنصر]

اولا از این جهت بود که تشیع گستردگی پیدا کرده بود و اقصی نقاط عالم مثل قم، طبرستان، خراسان، بغداد، مصر، یمن، شیعیانی بودند، شیعه فقط در کوفه فقط منحصر نشده بود، خب در این نقاط دور دست که شیعیانی بودند و با امام ارتباط مستقیمی طبیعتا نداشتندبه جهت بعد مسافت، و سوالاتی داشتند، امور مالی مثل خمس داشتند، باید این‌ها را با کسی در ارتباط می‌بودند، لذا وکلاء امام علیه السلام، در نقاط مختلف، متفرق شدند، این دلیل اول، تشکیل شدن سازمان وکالت، یعنی دور بودن شیعیان از امام و رهبرشان، است،

دلیل دوم این که از امام کاظم به بعد هم با مسأله حبس ائمه علیهم السلام روبرو هستیم، هم با مسألۀ حصرو هم با مسألۀ تبعید ائمه از نقطه‌ایی به نقطۀ دیگر، ائمه دقیقا تحت نظر حکومت‌ها بودند، یا در زندان‌ها یا در شهرهای نظامی یا پادگان‌های نظامی آن زمان، طبیعی است که شیعیان در طول این مدت سخت باید با کسانی در ارتباط باشند که هم از نظر علمی و هم از نظر مالی بتوانند به آنها اعتماد کنند، برای این که مشکلات خودشان را حل کنند.

علت سومی که می توان برای تشکیل سازمان وکالت بیان کرد، همان اختناق و خفقانی است که در زمان خلفای بنی العباس بر شیعیان حاکم بوده است، به گونه‌ایی که دیگر ارتباط مستقیم حتی برای همهشریان امام زمان که به صورت ظاهر باید دسترسی داشته باشند، نبود، تا چه رسد به کسانی که در دوردست هستند، در این محیط خفقان بهترین راه این بود که شیعیان در مقام رعایت تقیه هم برای حفظ جان امام علیه السلام و هم برای حفظ جان خودشان، ارتباط کمتری با شخص امام حتی همشهریان امام برگزار کنند، لذا باز توجیه می‌پذیرد، عنصری به نام عصر وکالت، ضمن این‌که آرام آرام باید مردم آماده شوند، برای زمان غیبت صغری و آن گاه غیبت کبری، که از معصوم دورتر و دسترسی بسیار سخت تر است. پس عنصر اول، در دوران تثبیت، که بالخصوص از زمان امام کاظم علیه السلام مشاهده می‌کنید، عنصر وکالت است.

[تغییر نحوه تعلیم و آموزش]

تغییر نحوۀ تعلیم و آموزش، طبیعتا زمان امام باقر و امام صادق، محیط برای تشکیل جلسۀ درس، و حلقه های علمی محیاتر بود، این در دوران سوم، در برهه‌هایی جلوه‌هایی داشته است اما مجموعا چنین امکانی برای ائمۀ هدی علیهم السلام برای آموزش و نشر حدیث نبوده است، لذا شما دیگر با آن حلقه‌های درسی که بیان کردیم، مواجه نیستید.

[ارجاع به محدثان؛ تدوین کتب؛ نگارش اصول؛]

در این جاست که عنصر دیگری به نام ارجاع به محدثان شما مشاهده میکنید، کتاب‌های موضوعی نسبتا مدوب برگرفته شده از اصول اربعة مأة و دیگر اصول نوشته شده است، جوامع حدیثی منظمی محقق شده است، راه برای تحقیق و کسب دین و معارف بازتر شده است، مردم می‌توانند حتی به جای مراجعۀ به وکیل به کتاب‌های انها مراجعه کنند، ارجاع به محدثین نه فقط تا زمانی که آن‌ها زنده هستند، بلکه مهم‌تر از آن، ارجاع به کتب مدوبه هست، کتب تنظیم شدۀ موضوعی است، که در دوران تثبیت از طرف بزرگوارانی که شاگرد امام کاظم عله السلام به بعد هستند، نوشته شده است.

[پیدایش مکاتبات و توقیعات]

مجموعا دو عنصر ارجاع به وکلاء و ارجاع به کتب محدثین که حال از خود اصول باقی بود، توانایی استفاده از خود اصول را داشتند به خود اصول مراجعه کنند یا به این کتاب های منظم و مرتب شده تا راحتتر بتوانند احکام را استنباط کنند، مجموع این دو عنصر باعث شد که شما در روایات با اموری برخورد کنید، کمتر قبلا بوده، به نام مکاتبة و توقیع، دسترسی به امام کمتر است، حضوری نمی توانند از نقاط دور سوال کنند، یا خود مردم سوال می کردند یا توسط وکلاء سوال‌هایی به امام می‌رسید و امام جواب می‌فرمود. واژۀ توقیع، مکاتبه و کتاب‌ها و روایاتی که از آن‌ها به مسائل تعبیر می‌شود، مثل مسائل علی بن جعفر، عن اخیه موسی بن جعفر که زیاد هم در کتاب های مثل رسائل و مثل این ها نقل شده است، این‌ها حاصل این است که نحوه آموزش از آن ضور در حلقات درس، به این نحوه گاهی مستقیم، گاهی غیر متسقیم، گاهی شفاهی و گاهی کتبی تبدیل شده و ائمه علیهم السلام به این وسیله مطالب خودشان را به دیگران می رساندند، در زمانی که تشکیل جلسات درس به آن نحوه که در زمان باقرین علیهم السلام مشهود بود، ممکن نشد.

اینها توضیحاتی در مورد زمان سوم است که زمان تثبیت حدیث و تکمیل حدیث شما مشاهده می‌کنید.

[2000 روایت موجود از تراث کاظمی]

البته هنوز کوفه آن درخشش حدیثی که پیدا کرده بود را در زمان امام کاظم سلام الله علیه هنوز داشت و مجموعه روایاتی که آن‌ها و دیگران از امام کاظم علیه السلام نقل کرده اند، حدود 2000 حدیث است، با این شیوه های مختلفی که عرض کردم، در این حال 2000 حدیث از احادیث شیعه توسط امام کاظم علیه السلام به منابع شیعی اضافه شده است البته با توجه به منابع امروز ما، گفتیم منابعی که از بین رفته و کتبی که الآن در دست ما نیست قطعا احادیث این امام بیش از این هاست ولی آنچه در دست ما است از احادیث 2000 حدیث تقریبی است. امام کاظم دوران امامتشان طولانی و و حدود 35 سال بود و این باعث شد احادیث ایشان با این که اکثر زمان‌هایی که ایشان در آن زمان به سر می برد، زمان خفقان و اختناق باشد، اما حدود 2000 حدیث از ایشان نقل شده است که به نام مسند امام الکاظم علیه السلام چاپ هم شده است.

از این 2000 حدیث حدود 1000 حدیث فقهی است، این که رقم دقیق نمی‌گویم نه از تعداد احادیث امام کاظم و نه از تعداد احادیث فقهی ایشان، حتی در منابع فقهی ایشان به این جهت است که خیلی از این روایات به نام ابی الحسن از حضرت یاد شده است، بله ابی الحسن مطلق امام موسی بن جعفر است اما گاهی با قرائنی امام رضا است یا امام هادی است، و این برای بعضی از کسانی که مسند نویس هستند، اشتباه شده است، لذا من آمار دقیق نمی دهم، میگویم حدود 2000 حدیث که حدود 1000 حدیث فقهی است ا ز امام کاظم سلام الله علیه.

این جا اشاره کنم، که زحمت‌هایی که اخیرا کشیده می شود نباید نادیده گرفته شود یکی از فضلای حوزه که از دوستان ما هم هست 4 جلد کتاب نوشته است به نام فقه الامام موسی ابن جعفر سلام الله علیهما، آقای سید محمد علی خادمی دقت کرده که آن ابوالحسن ها گاهی اشتباه نشود و خصوص روایات فقهی را در این 4 جلد اورده است. پس تراث فقهی امام کاظم علیه السلام کم نیست البته عقائد مواعظ در بین روایاتی که از ایشان نقل شده بسیار به چشم می خورد همین مراجعه به کتب در دسترس می تواند شما را راهنمایی کند،

توضیحات بیشتری داریم ان شاء الله در جلسات بعد

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .